

وضعیت مالی نانوایان کشور و نرخ نان!

یکی از مشکلات اصلی نانوایان کشور ما، سختی کار و کمی درآمد آنان است.

بقول محمد رضا مرتضوی، رئیس اتحادیه کارخانجات آرد کشور، نانوایان از دروازه جهنم کسب روزی می کنند و در گرمترین و سردترین فصل سال، مدام با گرمای سوزنده برای پخت نان در تماسند.

بقول حسن اسماعیلی، نانوای هنرمند خورزقی، نانوایان سه اذان در سرکارند. اذان صبح و اذان ظهر و اذان مغرب!

باضافه از تعطیلی آخر هفته و مرخصی سالیانه، تعطیلات مذهبی، عید و.... که برای همه کارگران برقرار است، نیز خبری نیست!

انصاف دهیم کدام صنف و صنعت دارای این چنین دشواری محیط کار و ساعات طولانی کارند؟

علاوه بر موارد فوق این صنف تنها صنفی است که دولت قیمت فروش محصول آن را تعیین می کند و به دلیل حساسیت قیمت نان در سبد غذایی مردم، بخصوص قشر ضعیف جامعه، همواره دولت تلاش کرده است قیمت نان را در پائین ترین حد ممکن نگه دارد و معمولاً با وجود تورم، افزایش سالانه دستمزدها و قیمت آب و برق و سوخت و امثال آن، هر چند سال، درصد کمی به قیمت نان افزوده می شود که این افزایش، جوابگوی هزینه های نانوایان نیست و آنان دائماً با معضلات مالی دست به گریبانند.

اگر امروزه از نانوایان سراسر کشور سوال کنیم بزرگترین مشکل شما چیست ؟

همه یکصدا خواهند گفت نرخ نان !!!

بنابراین این صنف برای جور کردن دخل و خرج مجبور است از کلیه هزینه ها بکاهد. مثلا همه می بینیم که در بسیاری از مغازه های نانوائی، از تجهیزات جدید، دکوراسیون مناسب، روپوش تمیز، ظاهر آراسته و... خبری نیست و در حقیقت با این درآمد کم، انجام چنین هزینه هائی امکان پذیر نیست.

هنوز همه این داستان غمبار را نگفته ایم. این صنف تقریبا تنها صنفی است که وجود همه سختی های کار، باید دائما پاسخگوی مشتریان طلبکار، دستگاههای گوناگون دولتی، بازرسین تعزیرات و بهداشت و..... باشد!! و برای کمبودها جریمه هم پردازد!

بنابراین صنف نان و نانوا سالهاست وارد در دور باطلی شده است که چون درآمد کافی ندارد نمی تواند مقررات آموزشی، بهداشتی و قوانین کار را کاملا رعایت کند و بهمین دلیل دائما جریمه و تهدید به بسته شدن می شود!

این دور باطل سالهاست ادامه دارد و هر روز فشار بر نانوایان بیشتر می شود و به قول آقای محمد رضا خواجه نانوای اصفهانی، نانوایان تنها صنفی هستند که به دولت یارانه می دهند!

بنابراین :

چون نانوا در آمد کافی ندارد نمی تواند کارگر ماهر و کافی استخدام کند.

چون نانوا در آمد کافی ندارد نمی تواند تجهیزات با کیفیت بخرد.

چون نانوا در آمد کافی ندارد نمی تواند مغازه اش را آراسته سازد.

این ناکافی بودن در آمد نانوایان پی آمد های زیانبار دیگری هم دارد. از جمله، عدم رویکرد جوانان، تحصیلکردگان و سرمایه گذاری در این صنف است.

بنابراین شاهد آنیم که نسل جوان و تحصیل کرده، حتی فرزندان نانوایان علاقه ای به ادامه حرفه پدری ندارند. بهمین دلیل میانگین سنی نانوایان ما معمولا بالاست و بسیاری از آنان باید سالها پیش بازنشسته می شدند، لیکن مجبور به ادامه کارند.

به دلیل عدم سودآوری نان برای نانوا، معمولا مغازه های نانوائی از نظر ظاهری فقیرترین و نامناسب ترین مغازه هر محله هستند.

چرا باید اصلی ترین غذای سفره مردم کشور و تهیه کنندگان آن با چنین وضعیتی روبرو باشند؟

نگاهی به کارخانجات ماکارونی و سایر مواد غذایی بیاندازید. بالاترین استانداردهای بهداشتی و فنی در آنها رعایت می شود که شایسته قدردانی است. لیکن همین استانداردها در نانوائی ها کمتر رعایت می شود زیرا امکان مالی کافی برای آن وجود ندارد. حال آن که بدلیل اهمیت نان، نانکده های ما باید دارای بالاترین استانداردهای بهداشتی باشند و مغازه های آنها باید شیک ترین مغازه هر محله باشد که متاسفانه نیست!

مشکل دولت نیز برای افزایش مناسب نرخ نان نیز قابل درک است لیکن انتظار آنست که دولت محترم چاره ای برای این مشکل نانوایان کشور بیاندیشد.

مدیر مسئول